

طنز تحریم اقتصادی در دولت اسلامی

در بسیاری از موارد در پس اخبار کارهای سیاسی حکومت اسلامی طنز تلخی پنهان است که قیل و قال‌ها و پراکنده‌گویی‌های معمول و روزانه روحانیون و نیز سرعت تحولات سیاسی ایران مانع لمس آن میشود. مثال‌ها بسیار زیاد هستند و بقول مردم دل خوش میخواهد و کمی آسودگی خیال تا تنها به دلک بازی‌های آیت‌الله حسنی نماینده ولی فقیه در آذربایجان غربی توجه نکنیم و ببینیم که در حکومت روحانیون دست روی هرکس بگذاریم خود یک دلک تمام عیار سیاسی است.

زمانی که هدف وسیله‌ای را توجیه میکند، مکرر و روزانه میبینیم که دروغ پیش پا افتاده‌ترین و اولیه‌ترین وسیله هموارکننده راه آنها است. برادران و خواهران، در پس قیافه‌های اخمو و تلخ، هزار معلق سیاسی و حتی اخلاقی میزنند تا ملغمه‌ای از اخبار جعل شده و تفسیرهایی دروغین و من در آوردی را لباس سیاستگری و دولت‌مداری بپوشانند. این سیاست‌گری و دولت‌مداری چون از جنس زمانه نیست هر چقدر هم پوشیده از مکر و تزویر باشد باز هم بسیار ناشیانه است و در درون خود طنزهایی تلخ را پنهان کرده‌اند. برای مثال:

تمامی دعوای کنونی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اکثریت کشورهای جهان با رژیم روحانیون بر سر این است که دولت اسلامی دست از فعالیتهای پنهانی خود برای تولید اورانیوم غنی شده که در تولید بمب اتمی مورد استفاده قرار میگیرد بر دارد و گرنه پرونده ایران برای تصمیم‌گیری و تحریم اقتصادی به شورای امنیت سازمان ملل فرستاده خواهد شد. از کسی هم پنهان نیست که مجازات ایران در شورای امنیت در درجه اول از طریق تحریم بین‌المللی خرید نفت ایران شروع خواهد شد چرا که صادرات

نفت شاه‌رگ حیات اقتصاد وابسته و مصرفی ایران است. اگر بنا بر منطق و عقل باشد دولت اسلامی نباید از این مجازات خوشحال باشد. مجازات تحریم اقتصادی برای حکومتی که فاقد پشتوانه اقتصادی داخلی مستقل و مستحکم است و از حمایت مردم کشورش برخوردار نیست بسیار تلخ، مسئله‌زا و پرخطر می‌تواند باشد.

اما با تعجب می‌بینیم که باز هم در دولت روحانیون آب سر بالا می‌رود و حکومتگران شیپور را از سر گشاد آن می‌زنند. از سال 1282 شمسی که اولین محموله‌های نفتی ایران از طریق خط لوله از مسجد سلیمان به بندر آبادان و از آنجا به کشور های غربی صادر شد تا به امروز که بیش از یک قرن از این آغاز می‌گذرد هیچگاه ایران تا باین اندازه وابسته اقتصادی به غرب نبوده است. بی‌اغراق، دولت اسلامی حالت بیمار چماق بدستی را دارد که در بستر مرگ است و تنها با سرم صادرات نفت و واردات کالاهای مصرفی به حیات خود ادامه می‌دهد. در همین حال بیمار فریاد میکشد و عمامه به زمین میکوبد که اگر نگذارند اورانیوم لازم را برای استفاده نظامی تولید کند او سرم را از بدن در حال مرگ خود بیرون خواهد کشید.

برای اینکه توضیح دهم چرا نیاز حکومت به صادرات مواد نفتی مشابه سرمی است به تن بیمار لازم است به چند آمار رسمی رژیم اشاره کنم. برابر اعلام بانک مرکزی میزان واردات رسمی ایران (کاری به 140 اسکله قاچاق نداشته باشیم) در چهار سال پایانی دولت آقای خاتمی از مرز 106 میلیارد دلار گذشته است. این میزان واردات هرگز در تاریخ ایران سابقه نداشته است. در همین 4 سال دوم خاتمی مجموع صادرات غیر نفتی ایران (صادراتی که در صورت تصمیم شورای امنیت سازمان ملل متحد آن هم مشمول تحریم می‌تواند بشود) تنها 23 میلیارد دلار بوده است. همین دو رقم را که نگاه کنیم میزان وابستگی سرگیجه آور ایران به نفت و واردات مواد مصرفی را می‌توانیم لمس کنیم. اجازه بدهید برای درک بیشتر فاجعه حکومت روحانیون به آماری که « نشریه بررسی های اقتصادی خاورمیانه » ارائه داده است مراجعه کنیم که بر اساس آن ایران تا پایان سال

2005 میلادی ایران بیش از 5 میلیارد دلار صرف واردات بنزین خواهد داشت. (خبرگزاری مهر ۱۳۸۴/۰۴/۲۴) آمار این نشریه اقتصادی بهیچوجه از واقعیت دور نیست. آقای حسین کاشفی مدیرعامل پخش فرآورده‌های نفتی در گفتگو با خبرگزاری ایسنا خبر داده است که مجلس با برداشت ۲/۴ میلیارد دلار دیگر از حساب ذخیره ارزی برای واردات بنزین برای مصرف پیش بینی نشده 6 ماهه دوم سال 1384 موافقت کرده است. (خبرگزاری ایسنا 1384/06/11)

تحریم اقتصادی غرب از سوی رژیم گاه جنبه تهدید های بسیار خنده آورتری هم بخود میگیرد. هفتم مهرماه خبر گزارى آریا گزارش داد که آقای لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت حکومت گفته است: «فعلا دلیلی برای خروج از NPT نداریم، اما اگر آنان بخواهند با زور ما را به اجرای تصمیمات خود مجبور کنند، در آن صورت فکر دیگری می‌کنیم.» این تهدید توخالی دبیر امنیت حکومت یادآور حکایتی است از ملا نصرالدین که میگویند: «روزی ملا با شکم گرسنه وارد روستائی شد و به مردم ساده دلی که دور او جمع شده بودند با تندی گفت هرچه زودتر یک غذای حسابی و جای خواب و استراحت برای من آماده کنید و گرنه با شما هم همان کاری را میکنم که با مردم ده قبلی کردم! (یا به بیان بی مثال آقای لاریجانی: فکر دیگری میکنم!). مردمان ساده دل ده غذای خوبی به ملا دادند و جای خواب شب او را هم فراهم کردند. فردا صبح که ملا میخواست از آن ده برود روستائیان از او پرسیدند که: «ملا بالاغیرتاً بما بگو با مردم ده قبلی که به تو غذا و جای خواب ندادند چه کردی که اگر ما هم به تو غذا و جای خواب نداده بودیم دچار آن میشدیم؟» ملا جواب داد که: «هیچ تنها کاری که میتوانستم بکنم و کردم این بود که از ده آنها بیرون آمدم!». مشکل برادر پاسدار لاریجانی این است که کشور های جهان و مردم آن «روستا» و «روستائیان» قصه ملا نصر الدین نیستند تا برای آنها «فکر دیگری» بکنند!

دچار هیچ توهمی نشویم؛ دولت روحانیون که زیر نعلین خود ایران را به عقب مانده ترین و وابسته ترین کشور حوزه خلیج فارس تبدیل کرده، در رابطه با تحریم نفتی مزاح میکند، دروغ میگوید و خدعه می ورزد. اینها برای بقای خود نه تنها ایران را ویران کرده، فروخته و خواهند فروخت بلکه هیچ ابائی از فروش دین اسلام که مدعی آنند هم ندارند. رژیم ولایت فقیه از جنگ و از تحریم اقتصادی و از هرگونه رویارویی با غرب بشدت هراس دارد و در عمل فرار میکند. سلاح آنها ایجاد هرج و مرج و آشوب و توسل به تروریسم است و نه رویارویی مستقیم. مشکل امروز حکومت روحانیون «مسئله بقاء» است و آنها بقای خود را با تحریم نفتی به خطر نخواهند انداخت . کلام آخر حکومت روحانیون با قوی تر از خود و در موقعیت ضعف که قرار میگیرد سازش است. دو شاهد عمده آن واقعه گروگانگیری دیپلمات های آمریکائی در سال 1358 و نیز جنگ 8 ساله ایران و عراق است که در هر دو پس از تحمیل خسارات بسیار شدید و غیر قابل جبران به منافع ملی مردم ایران در نهایت از تمامی مواضع « اصولی » خود که برچسب ایدئولوژیک و مارک دینی هم داشتند عقب نشینی کرده و به سازش هائی پر خسارت تن داد.

خدایار آفام
16 مهرماه 1384

khodayarafam@hotmail.com